

# بازگشت به اخترشناسی



سیاره‌ای که اندازه‌اش کمی از یک خانه معمولی بزرگ‌تر است. در این کتاب، ماجرای سفر سازده کوچولو و روبه رو شدنش با افراد و موجودات مختلف (مثل جغرافی‌دان، تجارت پیشه، روباه و...) را می‌خوانیم و از علاقه زیاد او به گل سرخس باخبر می‌شویم و در راه بازگشت به سیاره (یا همان اخترک ب ۶۱۲) همراهی‌اش می‌کنیم.

همان قدر که حرف‌های سازده کوچولو برای آقای خلبان و برای ما خواننده‌ها عجیب است، حرف‌های ما آدم‌ها هم برای سازده کوچولو عجیب به نظر می‌رسد. آن قدر که بارها و بارها در طول داستان می‌گوید: «این آدم بزرگ‌ها راستی راستی چقدر عجیب‌اند!» ولی این باعث نمی‌شود آدم بزرگ‌ها سازده کوچولو را دوست نداشته باشند. چون این کتاب گروه سنی خاصی ندارد و کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه عاشقش هستند. از کجا می‌دانم؟ از اینجا که تا به حال به بیش از ۲۵۰ زبان و گویش متفاوت در دنیا ترجمه شده است و معمولاً هر سال یک میلیون نسخه از آن به فروش می‌رسد. در این ۷۴ سالی که از انتشار این کتاب گذشته، جایزه‌های گوناگونی را در کشورهای جهان برنده شده است و شاید بتوانیم بگوییم افتخار آفرین‌ترین کتاب نویسنده‌اش به شمار می‌رود. ولی حیف! می‌دانید چرا؟ چون آنتوان دوست اگزوپری یک سال بعد از چاپ سازده کوچولو (یعنی در سال ۱۹۴۴) بر اثر سقوط هواپیماش از دنیا رفت. راستی، در ایران تا حالا ۱۶ نفر این کتاب را ترجمه کرده‌اند.

تصور کنید خلبان هستید و یک روز به خاطر نقص فنی مجبور می‌شوید هواپیماپتان را وسط یک بیابان فرود بیاورید؛ آن‌هم یک بیابان واقعاً آب و علف! بعد همان طور که مشغول تعمیر هواپیما هستید، سر و کله پسر بچه عجیب و غریبی پیدا می‌شود و از شما سؤال‌های عجیب و غریب می‌پرسد. این همان اتفاقی است که باعث خلق یک شاهکار ادبی به اسم «سازده کوچولو» شد. یعنی سازده کوچولو از آن کتاب‌هایی است که باید صفحه اولش می‌نوشتند: «این یک ماجرای واقعی است.» آنتوان دوست اگزوپری، نویسنده فرانسوی داستان سازده کوچولو، آدمی کاملاً معمولی بود. در مدرسه نمره‌های متوسط می‌گرفت، مثل خیلی‌های دیگر به کلاس موسیقی می‌رفت و برای اینکه کمک خرج مادرش باشد، در نوجوانی کار می‌کرد. از همه جالب‌تر اینکه خانواده‌اش اصرار داشتند او حتماً وارد نیروی دریایی شود (خانواده‌ها یک قرن پیش هم بچه‌ها را در انتخاب رشته و شغل مورد علاقه‌شان آزاد نمی‌گذاشتند، خیالتان راحت!) اما او که هیچ علاقه‌ای به آب و دریا و این چیزها نداشت، به نیروی هوایی ارتش پیوست و به یک خلبان ماهر تبدیل شد.

سنت اگزوپری به کشورهای مختلفی پرواز می‌کرد و از آداب و رسوم ملت‌ها و ماجراهای سفرهایش داستان‌های زیادی می‌نوشت. (البته اوایل کسی داستان‌های آنتوان را هم مثل خیلی از نویسنده‌های دیگر، تحویل نمی‌گرفت تا اینکه کم کم به نبوغش پی بردند و برایش سر و دست شکستند! سازده کوچولو هم همان‌طور که قبلاً گفتیم، بر گرفته از ماجرای فرود اضطراری هواپیمای او در صحرای بزرگ آفریقا و روبه رو شدنش با پسر بچه‌ای عجیب و غریب بود. سازده کوچولو داستانی فلسفی دارد که به موضوع دوست داشتن، عشق و هستی می‌پردازد. (او که به اسم‌های «شهریار کوچولو» و «مسافر کوچولو» هم شناخته می‌شود) پسر بچه‌ای است که از سیاره‌ای به اسم ب ۶۱۲ به زمین آمده.